با جشنواره تئاتر

مرگ تصادفی یک آنارشیست

متن خوب، اجرای متوسط

آینا قطبی یعقوبی

● مرگ تصادفی یک آنارشیست، یکی از معروف‌ترین آثار نمایشی «داریوفو» است که بارها و بارها بر صحنه‌های تئاتر جهان اجرا شـده. نمایش، یک فارس سیاسی است که با الهام از یک واقعه حقیقی، در ایتالیای پس از جنگ جهانی دوم رخ می‌دهد. مردی که به جرم بمب‌گذاری دسـتگیر شده، در جریان بازجویی، خودش را از پنجره طبقه چهارم ایستگاه پلیس میلان به پایین انداخته یا انداخته می‌شود و مرگ او سلسله اعتراضاتی را با خود در پی دارد. داریوفو این رخداد را دستمایه اصلی نوشتار خود کرده و در نمایش، به همان ایستگاه پلیس می‌رود و وقایع رخ‌داده را این‌بار با زبان ریشخند و تمسخر، بازنمایی می‌کند. داستان نمایش از این قرار است که یک دیوانه به جرم کلاهبرداری دستگیر شده و به همان ایستگاه محل وقوع حادثه آورده می‌شود. او در حین بازجویی به ناگاه متوجه می‌شود که یک قاضی بلندپایه قرار است برای پیگیری پرونده سقوط آنارشیست به آنجا بیاید. دیوانه که شـخصیتی عاشق بازیگری است در نقـش همین قاضی به طبقه چهارم رفته و با بازجویی عامـلان واقعه، تمامی رخـداد را رمزگشـایی و بازنمایی می‌کند. در خاتمه نیز او که در میانه این نقش، خود به یک آنارشیست تمام‌عیار مستحیل شده با بمبی آماده انفجار دو پایان متفاوت را بـرای نمایش ترتیب می‌دهد. هر دو این پایان‌ها بر صحنه اجرا شده و انتخاب به تماشاگران سپرده می‌شود؛ انتخابی که در دل خود پرسش بنیادین نمایش را نیز در بر دارد. اینکه در مواجهه با قدرت افسارگسیخته‌ای که تن به پرسشگری نمی‌دهد، چه باید کرد؟ آیا باید تاب آورد و برخوردی انسانی داشت یا طغیان کرد و نبرد آغازید. پرسش نمایش داریوفو به‌شکلی دیگر همان پرسشی است که هملت در میانه نمایش شکسپیر از خود می‌پرسد، آنجا که می‌گوید: «آیا بزرگواری آدمی بیشـتر در آن است که زخم فلاخن و تیر بخت ستم‌پیشـه را تـاب آورد، یا آنکه در برابر دریایی فتنه و آشوب سلاح برگیرد و با ایستادگی خویش به آن همه پایان دهد.» داریوفو با به کارگیری زبان ساتیریک کنایی و استفاده از عنصر شوخی و خنده به‌خوبی وضعیت گروتسک‌وار قدرت حاکمه سیاسی زمان خود را به تصویر می‌کشـد. نمایش در دل خود پتانسیل به‌روزشدن و متناسـب با وقایع و رخدادهای اجتماعی- سیاسی همه دوران‌ها و کشـورها را دارد. به‌راحتـی می‌توان هر رخداد جنجالی را از هر گوشـه دنیا برداشت و جایگزین سقوط آنارشیسـت کرد و نمایشـی به‌روز داشـت. این پتانسیل آلترناتیوگونـه متن داریوفو یکـی از مهم‌ترین المان‌های قدرت نمایش و شاید علت اصلی شهرت و پراجرابودنش در سراسر جهان است. اجرای مصطفی عبداللهی از این متن اما اجرای ویژه و چندان خلاقی نیسـت. نمایش در بستر اصلی خود متن و در دکوری که همان ایستگاه پلیس است، بدون امکانات بصری خاص یا تمهیدات خلاقانه کارگردانی، اجرا می‌شـود و اگر بازی خوب و تحسین‌برانگیز میکاییل شهرستانی را از آن بگیریم تقریبا چیزی جز خود متن به‌جا نمی‌ماند. بازی خوب شهرستانی مرکز ثقل نمایش است و در کنار او باقی بازیگران که چندان هم موفق نیستند، اصلا به‌چشـم نمی‌آیند. با این حال اجرا هرچه که باشد، متن داریوفو و بازی شهرستانی ارزش دیدن دارند.

هفت جهان

«هتل بزرگ بوداپست» آغازگر جشنواره برلین

پیام ابراهیمی

● شصت‌وچهارمین جشنواره فیلم برلین، ۶ فوریه ۲۰۱۴ با اکران فیلم «هتل بزرگ بوداپست» آخرین ساخته «وس اندرسـون» آغاز به کار خواهد کرد. این فیلم که محصول مشترک آلمان و بریتانیاست و در کشور آلمان فیلمبرداری شـده اولین فیلم بلند اندرسون است که وی فیلمنامه‌اش را به تنهایی نوشـته است. داسـتان فیلم که در دوره بین جنگ‌جهانی اول و دوم روی می‌دهد ماجرای گوستاو اچ (با بازی رالف فاینس) کارمند افسانه‌ای هتل و یکی از کارگران هتل به‌نام زیرو مصطفی (با بازی تونی رِوولوری) است که قابل اعتمادترین دوست گوستاو است. داستان حول محور سـرقت یک نقاشـی متعلق به دوره رُنسانس و همچنین نبرد بر سر ثروت عظیم خانوادگی می‌گردد. وس اندرسون ۴۴سـاله که پیش از این فیلم‌های: «راشمور»، «زندگی در آب با اسـتیو زیسـو»، «دارجلینگ لیمیتد»، «آقای فاکس شگفت‌انگیز»، «قلمرو طلوع ماه» و «خانواده رویال تِنِنبامس» را کارگردانی کرده در این فیلم نیز سراغ بسیاری از بازیگران همیشگی فیلم‌هایش رفته اسـت. «رالف فینس»، «موری آبراهام»، «آدرین برودی»، «جـود لا»، «بیل موری»، «ادوارد نورتون»، «جیسـون شوارتزمن»، «لئا سـیدوکس»، «اُوون ویلسـن» و «تونی رِوولوری» بخشـی از بازیگران حاضر در این فیلم می‌باشند که «وِس اندرسون»، «جِرِمی داوسون»، «اسـتیون م. رِیلز» و «اسـکات رودین» تهیه‌کنندگان آن هستند. اندرسون که سال گذشته نیز با فیلم «قلمرو طلوع ماه» جشنواره فیلم کَن را افتتاح کرد امیدوار است بتواند با «هتل بزرگ بوداپسـت» خرس طلایی جشنواره کَن را به دسـت بیاورد. رقبای اندرسون در بخش رقابتی جشنواره فیلم برلین «مردان تاریخی» ساخته «جورج کلونی»، «۷۱» سـاخته «یان دمانگ» کارگردان انگلیسی، «زندگی رایلی» سـاخته «آلن رنه»ی فرانسـوی، «بر فراز» ساخته «کلودیو لیوزا» و «اسـتراوس» به کارگردانی «یانیس آکونومیدس» هستند. جشنواره فیلم برلین در کنار جشنواره‌های «ونیز» و «کَن» از قدیمی‌ترین جشنواره‌های سینمای اروپا به‌حساب می‌آید که از سال ۱۹۵۱ کار خود را آغاز کرده.

قاب

جای خالی «ساز» در «سیما»

سیدعباس سجادی
کارشناس موسیقی

از شـنیدن خبر نمایش تصاویر نواختن سازهای ایرانی در تلویزیون خوشحال شـدم. خوشحال‌تر می‌شوم که این ممنوعیت به‌طور کلی برداشته شـود و بتوان ساز ایرانی را در برنامه‌های موسیقی به تصویر کشید. من حدود ۲۰سال اسـت که در صداوسیما کار می‌کنم و تا آنجایی که در این سـال‌ها با قوانین آشنا هسـتم، می‌دانم که هیچ بخشنامه رسـمی بـرای ممنوعیت نشـان‌دادن آلات موسـیقی در تلویزیون وجود ندارد. علـت این ممنوعیت را نمی‌دانم. ما هم در برنامه «دسـتان» گاهی تلاش می‌کنیم ساز را نشان دهیم اما حساسـیت‌هایی در پخش است که این تصاویر را کم می‌کند. جای خالی سـاز ایرانی در برنامه‌ها و اجراهای موسیقی تلویزیونی کاملا برجسـته است. مولانا می‌گوید: خشک سیمی خشک چوبی خشک پوست/ از کجا می‌آید این آوای دوست. مگر به تصویرکشیدن چوب، پوست و سیم خشک از رسـانه چه ایرادی دارد. خوب است که ما کم‌کم به‌سـمتی برویم که بتوانیم سازهای ایرانی را به مخاطب و فرزندانمان معرفی کنیـم. امروزه مخاطب موظف به دیدن کانال‌های ما نیست. وقتی ما سازهایمان را نشان نمی‌دهیم بی‌تردید با وجود کانال‌های گسترده تلویزیونی که همه‌چیز را نشان می‌دهند کودکان و نوجوانان ایرانی با سازهای غربی آشنا می‌شوند و شاید گرایششان به آن سمت بیشتر شود، اینچنین یک شکاف فرهنگی عمیق پیش می‌آید. نوجوانان ایرانی باید با سنتور، تار، کمانچه و دیگر سازهای گرانبهای ایرانی آشـنا شوند، ما باید از طریق تلویزیون این آشنایی را ایجاد کنیم. این می‌تواند الگویی خوب در موسـیقی باشد. وقتی خوانندگان با ارزش در ایران همچون شجریان، ناظری و بسیاری دیگر داریم چه ایرادی دارد که تصویر آواز آنها با نواختن ساز از تلویزیون همراه باشد. این فرهنگ‌سازی باید هرچه زودتر انجام شود.

گروه «آوای پارسیان» در «صبح‌بخیر ایران»، عکس: تلویزیون

«چراغ سبز» تلویزیون، مخاطبان را غافلگیر کرد

«ساز»؛ روی آنتن «شبکه یک»

کیمیا امینیان

طلسم نمایش «ساز» در «رسانه‌ملی» سرانجام در ساعت ۸:۴۴ صبح روز شنبه ۲۸دی در برنامه «صبح‌بخیر ایران» شـبکه اول شکسته شـد و در این برنامه زنده یک گروه موسیقی با سـازهای سـنتی ایرانی قطعه‌ای را در مدح حضرت‌رسـول(ص) نواختند؛ اتفاقی که مشخص نیست «چراغ سـبز» جدید «رسـانه‌ملی» به هنرمندان است یا اتفاقی که تنها یک‌بار افتاده و دیگر تکرار نخواهد شد. البته درسـت در ساعات پایانی روز ۲۸دی شبکه «آموزش» در برنامه «رادیو هفت» با دعوت از گروه موسیقی «پالت»، اتفاق جالبی افتاد. این گروه، با نشان‌دادن سازهای نامریی، یکی از قطعه‌های مشـهور خود را اجرا کردند که البته با توجه به فراگیرتربودن شبکه «یک» سیما و گستره کشوری آن، به اندازه نشـان‌دادن «سـاز» در برنامه «صبح‌بخیر ایران»، کمتر بازتاب یافت. این در حالی است که درست چندروز پیش در حین اجرای برنامه اختتامیه جشنواره «جام‌جم» از شبکه سوم سیما قرار بود قطعه‌ای به‌صورت زنده توسط سالار عقیلی نواخته شود که این قطعه تنها با «ساز» پیانو که در تصویر دیده نمی‌شد، اجرا شد. در زمانی که از عقیلی دعوت شـد تا روی صحنه برود ارتباط پخش شبکه سوم «سیما» با سالن همایش‌ها قطع شد و زمانی وصل شد که عقیلی قطعه «ایران» خود را خواند. اما در برنامه «صبح‌بخیر ایران» سرانجام «ساز» از شبکه سراسری به نمایش درآمد و یک گروه کامل موسـیقی، قطعه‌ای را اجرا کردند. این قطعه، توسط گروه «آوای پارسیان» به سرپرستی سامان علیپور اجرا شد. علیپور در گفت‌وگو با «شرق» با معرفی این قطعه که به مناسبت ایام میلاد رسول‌اکرم(ص) آماده شده بود؛ گفت: «برنامه «صبح‌بخیر ایران» از گروه ما دعوت کرد برای اجرای این برنامه برویم. ما هم به‌سبک همه گروه‌های موسیقی به دلیل اینکه قرار بود اجرای زنده داشته باشیم با سازهای کامل به «صداوسیما» رفتیم. فکر نمی‌کردیم که قرار است «ساز» را نشان بدهند. اما زمانی که قرار شد برای اجرا آماده شـویم از ما خواسـتند تا در صحنه اصلی قرار بگیریم.» علیپور هم مانند بسیاری از موسیقیدان‌ها و مردم این رخداد را «بسیار خوب»، دانست و ابراز امیدواری کرد که این اقدام «صداوسیما» تداوم پیدا کند. نمایش «ساز» از «رسـانه‌ملی» هرچند در سکوت مسوولان صداوسیما رخ داد، اما اتفاقی بود که از سـوی مردم و در فضای مجازی با واکنش بسیار مثبتی روبه‌رو شد. بسیاری از کسانی که آن را دیده یا تصاویری که در برخی از سایت‌های موسیقی منتشر شده بود را دیده بودند نسبت به این اقدام واکنش مثبت نشان دادند.

این دو اتفاق در حالی رخ داده اسـت که پیش از این تلویزیون به شـیوه‌های مختلف، اجـرای خوانندگان را بدون نمایش گروه نوازندگان و «ساز»ها پخش می‌کرد و به‌جای آنها، تصویر گل و تصاویر تزیینی پخش می‌کرد. این رویکرد، همواره مورد اعتراض اهالی موسـیقی بود. به‌خصـوص در هفته‌های اخیر هم هنرمندانی همچون همایون شجریان، حسـین علیزاده و علیرضا قربانی در گفت‌وگوهایی در این‌باره، گلایه‌هایی کرده بودند. همایون شـجریان مدیر انتشـارات «دل‌آواز» چنـدی پیش در هیات‌مدیره «خانه موسیقی» به پخش‌نشدن تصویر ساز در تلویزیون اشـاره کرد و گفت: «رسانه‌ملی که می‌تواند نقش بسیاری داشته باشد ساز را نشان نمی‌دهد اما اگر نشان بدهد، موسیقی در این سرزمین دگرگون می‌شود. در برنامه «دسـتان» هم که به موسـیقی می‌پردازد یک گلدان، جلو نوازنده می‌گذارند.»

علیرضا قربانی نیز در یکی از نشسـت‌های خبری با انتقاد از موضع صداوسـیما در مقابل سازهای موسیقی گفت: «رادیووتلویزیون در زمینه موسیقی و نشان‌ندادن سـازها عملکرد خوبی ندارد و ضـررش را خواهد دید چرا که در کشـور صدهاهزارنفر به‌صـورت حرفه‌ای یا غیرحرفه‌ای سـاز می‌نوازند و ممکن است این موضوع به‌گونه‌ای دیگر بروز کند. ای‌کاش صداوسیما منطقی‌تر فکر می‌کرد تا کار به اینجا کشیده نمی‌شد.» قربانی در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود با خبرگزاری مهر نیز نسبت به خودداری صداوسیما از نشان‌دادن ساز گله کرده بود. اما شاید یکی از مهم‌ترین انتقادات به عملکرد صداوسیما توسط حسین علیزاده، آهنگساز شناخته‌شده کشور بود که بارها از عملکرد صداوسیما در قبال موسیقی شکایت کرده بود. او در نشست خبری‌ای که هفته گذشته برگزار کرد؛ گفت: «ارگان‌های دولتی مشکلات را حل نمی‌کنند در حالـی که خیلی از مسـایل موسـیقی راحت حل می‌شوند، حل‌کردن مسایل موسیقی خیلی راحت‌تر از حل‌کردن مسایل هسته‌ای است.» او همچنین پیشتر در گفت‌وگوی دیگری گفته بود: «در این سال‌ها صداوسیما شکل سخیفی از موسیقی را ارایه داد. برای همین است که نسلی که هم‌اکنون در آستانه ۳۰سالگی به‌سر می‌برد، هیچ خاطره موسـیقایی ندارد، چون اهالی موسیقی در تمام این سه دهه در حال تلاش برای اثبات خود بودند.»

حال باید منتظر بود و دید آیا نشان‌دادن «ساز» در یک برنامه زنده تلویزیونی و گستره کشوری، اتفاقی بوده یا ریشه در رویکرد جدیدی دارد که در سخنان عزت‌الله ضرغامی، رییس سازمان صداوسیما، اشاراتی به آن شده بود. ضرغامی در مراسم اختتامیه جشنواره «جام‌جم» با تایید بخش‌هایی از صحبت‌های حسن روحانی در جمع هنرمندان پیرامون بازترشدن وضعیت هنری کشور ابراز امیدواری کرد. ضرغامی در اختتامیه جشنواره جام‌جم در تایید شعار روحانی گفته بود: «همه تولیدات هنری باید در بستری از امید تولید و به مردم عرضه شود. وقتی امید هست همه چیز هست.» وی همچنین دیدگاه روحانی مبنی بر عدم واردکردن اجبار و زور به هنرمند را تایید کرده و در تایید مدیران هنری تاکید کرده بود: «همه ما، حلقه‌های یک زنجیریم.»

خواننده گروه «پالت» روایت کرد

اجرا با «ساز»های نامریی در تلویزیون

مرجان صائبی

گروه موسـیقی پالت، شـامگاه ۲۸دی‌ماه مقابل دوربین برنامه تلویزیونی «رادیو۷» قطعه‌ای را با پانتومیم نواختن ساز، اجرا کرد. این گروه سـاعاتی پس از آنکه شـبکه اول سیما با نمایش سـاز، نگاه‌ها را دوباره به خود معطوف کرد در مقابل دوربین صداوسـیما وانمود کردند که سـاز در دست دارند و با اجرای پانتومیم نوازندگی، قطعه خود را اجرا کردند. با امید نعمتی، خواننده گروه پالت در این زمینه به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

شـما در برنامه «رادیو ۷» از سازهای نامریی استفاده کردیـد؛ به‌نظـرم این یـک واکنش جالب بـه ممنوعیت نشان‌دادن ساز در تلویزیون ایران بود...

چنـد وقت پیـش از ما دعوت کردند کـه در این برنامه حضور داشته باشیم و ما به این فکر کردیم که چون نشان‌دادن ساز در تلویزیون ممنوع است برنامه را چطور اجرا کنیم، مثلا فکر کردیم فقط خواننده گروه لب‌خوانی کند ولی من از بچگی از این کار بدم می‌آمد و همیشه فکر می‌کردم خواننده‌ای که لب‌خوانـی می‌کند آدم خوبی نیسـت! ایده‌هـای مختلفی داشتیم که برنامه جذاب و خاص باشد، چون فقط ممنوعیت نشان‌دادن سازها را داشتیم و در نهایت به این نتیجه رسیدیم که از سـازهای نامریی اسـتفاده کنیم، چون به این شکل به نوعی سازها هم هستند و هم نیستند.

حالا اتفاق جالبی که در این میان افتاده این است که دیروز صبح در برنامه صبح‌بخیر ایران یک گروه موسیقی با سازهایشان برنامه اجرا کردند. شما در جریان بودید؟

نـه، در جریان نبودم ولـی اگر این اتفـاق افتاده خیلی خوشـحالم و فقط می‌توانم خوشحالی‌ام را از این مساله ابراز کنم؛ چون ما موزیسین هستیم و سازهایمان را خیلی دوست داریم. به نظرم ساز می‌تواند ابعاد عارفانه و روحانی داشته باشد. همیشه دوست داشتم تلویزیون ساز را نشان دهد و در حال حاضر از این خبر واقعا خوشحالم.

شکسته‌شـدن تابوی ممنوعیت نشـان‌دادن ساز در تلویزیون، چه کمکی به موسیقی ما می‌کند؟

به نظرم تلویزیون قدرتمندترین رسانه برای آشنایی مردم با موسـیقی و گروه‌های موسیقی است. چند سال پیش که موسیقی پاپ در تلویزیون آزاد شد به نظرم حضور چهره‌هایی مانند «خشـایار اعتمادی»، «قاسـم افشـار»، «یاور اقتداری»، «محمد اصفهانی»، «علیرضا عصار» و... در تلویزیون باعث شد این موسیقی خیلی رونق پیدا کند. هنوز که هنوز است آهنگ «وقتی که پا می‌ذاره دریا به روی سـاحل...» در ذهنم مانده و بعضی از آهنگ‌های این خوانندگان را حفظم با اینکه هیچ‌وقت به این نوع موسیقی علاقه‌مند نبودم. به‌هرحال حضورشان در تلویزیون باعث شد به همه مردم معرفی شوند.

و موسیقی آنها در ذهن مردم ثبت شود...

بله و خیلی‌ها ممکن اسـت جذب این موسـیقی شوند. ما جوان‌هایی هسـتیم که در آموزشگاه‌های همین مملکت موسیقی یاد گرفتیم و در همین‌جا در حال فعالیت هستیم، چرا تلویزیون از ما حمایت نکند؟

فکر می‌کنم با این اتفاق خیلی دور از انتظار نباشـد که گروه «پالت» با سازهای مریی در تلویزیون برنامه اجرا کند...

قطعا ما و خیلی‌های دیگر. ما دوسـت داریم تلویزیون از کسانی که در زمینه موسیقی فعالیت می‌کنند حمایت کند تا دیده شـوند و مشـکلاتی که مثلا در مورد آهنگ «هزارتا قصه» برای ما به وجود آمد برای دیگران پیش نیاید. شبکه‌های خارجی کلیپ «هزارتا قصه» را پخش کردند و ما نمی‌توانیم آن قطعه را در اینجا اجرا کنیم. وقتی تلویزیون از ما حمایت کند دیگر چنین مشکلاتی پیش نمی‌آید...

اجازه ندارید قطعه «هزار تا قصه» را در ایران اجرا کنید؟

فعلا نه.

یعنـی مجوز همیـن یک قطعـه را ندارید چـون در شبکه‌های خارجی پخش شده...

این قطعه مجوز دارد ولی مجوز اجرای آن را فعلا نداریم. یک بخشی به‌خاطر سهل‌انگاری ما بوده و بخشی اجازه‌نگرفتن شبکه‌های خارجی از صاحبان اثر است. اما اگر تلویزیون از ما حمایت کند شاید مشکل کپی‌رایت هم در ایران حل شود. اگر قطعه‌ای از تلویزیون پخش شود، پشت هنرمندان برای حفظ حق کپی‌رایت گرم‌تر است.

عکس: آرش عاشوری‌نیا

چهره روز

پیام تسلیت همایون شجریان برای درگذشت نوازنده تار:

بیش از همیشه دلتنگ «بیوک آقا» می‌شوم

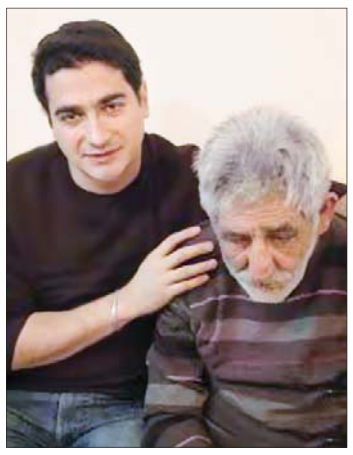

● **شـرق:** یکی از چهره‌های شناخته‌شده تار ایران در ۸۰سـالگی به‌دلیل نارسـایی کلیه از دنیا رفت. بیوک‌آقا شکورزاده‌مراغه‌ای، صبح روز شنبه، ۲۸دی در بیمارستان درگذشت. همایون شجریان، خواننده نیز در پیامی درگذشـت او را تسـلیت گفت: «امروز آن آزاده، تن و آشـیان رهاکرده شـهر مراغه، که دل امثال من به بودنش خـوش بود و به مرامش آلوده، از همیشـه رهاتر شد و رفت. حالا دیگر هر وقت که یادش کنم، بیش‌تر از همیشه برایش دلتنگ می‌شوم. بدرود بیوک بزرگ.» بیوک‌آقا شکورزاده متولد ۱۳۱۲ در مراغه بـود. او نوازندگی تار را از پدر و عموهایش آموخت و روزی که به تهران آمد تا برای ناپدری‌اش سـاز بخرد به صورت اتفاقی با زنده‌یاد لطف‌الله مجد آشنا شد. بیوک‌آقا چند هفته‌ای در منزل او میهمان بود. او سـال‌ها در مراغه زندگـی کرد و در مجالس شـادی مردم تـار می‌نواخت. آخرین حضـور او در عرصه موسیقی به کنسرتش در تیرماه سال ۱۳۹۱ برمی‌گردد که بـا همراهی احمد آذرپیرا در حضور همایون شجریان و با استقبال دوستداران این هنرمند در شـهر مراغه برگزار شـد. این نوازنـده تار بعد از یک‌دوره بیماری به‌دلیل نارسایی کلیه، در ۸۰سالگی در ساعت یک‌بامداد روز شنبه ۲۸دی در بیمارستان امیرالمومنین مراغه درگذشت. آن‌طور که اعلام شده مراسم تشییع جنازه بیوک‌آقا صبح دوشنبه ۳۰دی در گلشن‌زهرای شهر مراغه برگزار می‌شود.